

فرايند و ميزان تاثير بحران کرونا بر بخش کشاورزی و غذا در سطح جهانی چگونه است ؟
در زمينه ميزان و فرايند تاثير بايد به چند نکته اشاره کرد. يکي اينکه مراحل بروز اين بحران به گفته بسياری از کارشناسان در سطح کلان در سه مرحله انجام می‌شود. ۱- در مرحله اول بحران سلامت و بهداشت است. همان‌طورکه می‌دانيد اين ويروس تابه‌حال چند ميليون نفر را آلوده خود کرده و چند صد هزار نفر را به کام مرگ کشيده است و چون جان انسان‌ها اولويت دارد، سياست‌ها و حمايت‌های دولت در مرحله اول متوجه جنبه سلامت و بهداشت انسان‌هاست. در راستای نجات جان انسان‌ها از اين بيماری، مهم‌ترين و ضروري‌ترين تصميم‌ها در مرحله اول برای مواجهه با ابعاد بهداشت و سلامتی گرفته می‌شود ۲- اما موج دوم اين تاثيرات، در بعد اقتصاد کلان نمايان می‌شود، زيرا اين از یک طرف باعث رکود فعاليت‌های اقتصادی و توليدي و توقف بسياری از کارهای می‌شود که محتاج رفت و آمد، ارتباط و کارکردن نزديک انسان‌هاست و از طرف ديگر کاهش شديد تقاضا را به‌همراه خواهد داشت؛ بنابراین شيعو کرونا بايد تلقی شود. ۳- تاثيرات اين پديده و اثرات می‌شود که به اين عارضه مبتلا می‌شوند. طبعاً اين رکود اقتصادی، به‌عنوان یک سونامي و نتيجه زلزله کرونا بايد تلقی شود. ۳- تاثيرات اين پديده و اثرات اقتصادی کرونا بر حوزه غذا و نظام توليد و مصرف و کشاورزی و همچنين فراوری غذا نمايان می‌شود. اين پديده در نهايت می‌تواند باعث مشکلات و حتی بحران‌های غذایی شود و اين مشکلات هم به بحران‌های اجتماعی، سياسی و امنيتی منتهی می‌شود؛ بنابراین ما سه موج کلی در مواجهه با کرونا داريم. مرحله اول زلزله‌ای است که جان انسان‌ها را در معرض خطر قرار داده؛ موج بعدی از آن که سونامي اقتصادی است و بلندمدت‌تر، سريع‌تر و بسيار تاثيرگذارتر- و عمومی‌تر در کل جهان است. مرحله سوم هم در واقع موج‌های سونامي است که نظام غذایی و تغذيه جهان را تحت تاثير قرار می‌دهد. نکته مهم آن است که اين سه مرحله از نظر تاثير بر هم نقش افزايشی داشته و تفکيک پذير هم نيستند و در واقع هم‌زمان که خرابی‌های زلزله وجود دارد، سونامي حاصل از آن باعث ايجاد مخاطرات و مسائل پيچيده‌تری می‌شود و امواج اين سونامي باعث تخریب بسياری از زیرساخت‌ها و امکانات ارتباطی و تدارکاتی می‌شود که همه اين مسائل در نهايت نظام غذایی، تغذيه و کشاورزی کشورها را مثل ساير بخش‌های اقتصادی تحت تاثير قرار می‌دهد. اين سه مرحله کلی، فرايند تاثير کرونا بر بخش غذا و کشاورزی است.

مکانيسم تاثير بيماری کرونا بر کشاورزی و غذا همان‌طورکه گفته شد تحت تاثير تاثيرات کرونا بر اقتصاد کشور است؛ اين تاثير از یک طرف تقاضا را هدف قرار می‌دهد و از اين طريق عرضه غذا را تحت تاثير قرار خواهد داد. از نظر تأمين غذا قطعا شيعو کرونا که باعث تعطيل‌شدن فعاليت‌ها، رفت و آمد، انتقال و جابه‌جایی مواد و انسان‌ها شده است، تاثيراتی در فرايند توليد خواهد داشت.

مهم‌تر از توليد و عرضه و تقاضای غذا، مشکل در امور لجستیک، انتقال، جابه‌جایی بازاریابی بسته‌بندی و دسترسی مردم در فرايند دسترسی به غذاست. به دليل اينکه بسياری از فعاليت‌ها فراوری و بسته‌بندی و انتقال و بازررسانی و تدارکات‌های غذایی با مشکلات روبه‌رو شده است به دليل قرظينه عدم جابه‌جایی و فاصله‌گذاری اجتماعی که طبعاً توليدکنندگان و فراوری‌کنندگان محصولات کشاورزی را تحت تاثير خود قرار داده، مهم‌تر از عرضه مسئله تقاضاست. به اين دليل که نزديک به چهار ميليارد جمعيت جهان که در حال حاضر در خانه‌های خود هستند و کاهش درآمد دارند و از طرف ديگر ميزان درآمد آنها به دليل ازدست‌دادن کار يا نبودن در محل کار کاهش يافته، ميزان مصرف و تقاضای آنها کاهش يافته است.

نکته ديگر تاثير بحران قرظينه بر ديگر بخش‌های اقتصادی به‌خصوص بخش گردشگری و خدمات غذایی Food Service است مثل توقف رستوران‌ها، هتل‌ها و صنعت گردشگری که در جهان بيشترين ضربه را خورده زيرا در کشورهایی که کرونا گسترش پيدا کرده است، قطب‌های گردشگری جهان بودند چه از نظر پذيرش و ميزانی گردشگران؛ به‌خصوص کشور چين، ايتاليا، فرانسه، اسپانيا و آمریکا همه قطب‌های مهم ميزانی گردشگر بودند. به همين دليل وقتی صنعت گردشگری را که زنجيره وسيعی را با خود همچون هتل‌داری و رستوران‌داری و انواع خدمات غذا و کشاورزی را با خود همراه دارد، نهايت باعث کاهش شديد محصولات غذایی به‌خصوص محصولات تازه، سبزیجات، میوه‌جات و تره‌بار شده است. اين کاهش تقاضا بيشترين تاثير را در فرايند توليد مواد غذایی و معادله عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی با خود به همراه داشته است.

شيعو کرونا چه تاثيری به‌طور خاص بر بازار محصولات کشاورزی و عرضه و تقاضای بازارهای جهانی خواهد داشت و عوامل آن کدام‌اند؟

مکانيسم اين فرايند و پديده بسيار پيچيده است. اگر اين بحران را با بحران غذایی سال‌های گذشته و پس از جنگ جهانی دوم مقايسه و اين بحران‌ها را مرور کنيم، بحران ناشی از کرونا به چند دليل بسيار پيچيده‌تر، تاثيرگذارتر و عميق‌تر است. اگر آن را با فقر غذایی بعد از جنگ جهانی مقايسه يا اين موضوع را با

بحران انرژی و تاثير قيمت انرژی بر کشاورزی در دهه هفتاد ميلادی مقايسه کنيم يا با بحران اقتصادی آسيا در دهه ۸۰ و همچنين بحران مالی و اقتصادی ۲۰۰۸ ميلادی در جهان قیاس کنيم، خواهيم ديد که بحران کرونا به‌شدت پيچيده‌تر، اثرگذارتر و به مراتب عميق‌تر است و بنا بر نظر اقتصاددانان اين بحران طويل‌تر و بلندمدت‌تر خواهد بود. به همين دليل به روند بهبود طولانی‌تری نياز خواهد داشت. برای درک بهتر اين پيچيدگی‌ها به چند نکته بايد اشاره کرد. همان‌طور که گفته شد، اقتصاد کلان جهانی از همه ابعاد تحت تاثير اين بحران قرار خواهد گرفت. بنابراین بر امور مختلفی مثل مسئله واردات و صادرات محصولات کشاورزی تاثير خواهد گذاشت. اشکال در واردات و صادرات قطعاً بر حوزه عرضه و تقاضا تاثير می‌گذارد و از طرف ديگر نرخ ارز خارجی و نرخ مبادله ارز خارجی هم روی اين موضوع تاثير جدی خواهد داشت. در صد روز گذشته تغييرات نرخ دلار آمریکا در مقابل بقیه ارزهای جهانی شدت يافته است و ارزهای کشورهای اروپایي سوم و برخی کشورهای توسعه‌يافته در قبال دلار آمریکا که ارز مرجع برای خريد و فروش انرژی و مواد غذایی است، نوسان و افزايش قيمت دارند و از آن تاثير می‌گيرند. بنابراین وقتی قدرت ارز ملی برخی کشورها کاهش می‌يابد، قدرت خريد آنها بر بازار جهانی و واردات تاثير می‌گذارد و قيمت نهایی برای مصرف‌کنندگان محلی و داخلی به دليل افزايش قيمت ارز، رشد می‌کند. حتی اگر قيمت محصولات کشاورزی هم کاهش يابد. یک نکته ديگر مسئله انرژی است. به دليل کاهش شديد قيمت نفت و سوخت‌های فسیلی که بيشترين رکود خود را در ۲۰ ساله گذشته داشته است، از یک طرف، کشورهایی که منبع تأمين ارز آنها وابسته به یک محصول زراعی يا ماده خام مثل صدور نفت است- مثل ايران و کشورهای عضو اوپک و روسيه- از اين روند تاثير جدی‌تری می‌پذيرند و هم درآمدشان کاهش می‌يابد و هم قدرت خريدشان به‌دليل نزول قيمت ارز کاهش يافته می‌يابد. بدیهی است دشواری اين کشورها برای مقابله و آمادگی با اين بحران بسيار پيچيده‌تر خواهد بود.

يکی ديگر از عوامل تاثيرگذار در کوتاه‌مدت و میان‌مدت بر قيمت و دسترسی محصولات غذایی موضوع نیروی کار است. يکی ديگر از ویژگی‌های اين بحران که در بحران‌های قبلی اشاره شده و سابقه ظهور نداشته است، کاهش نیروی انسانی مهاجر و ليدر بخش کشاورزی است. بسياری از کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌يافته، به‌طور جدی با آن روبه‌رو هستند به نحوی که تأمين نیروی انسانی برای فعاليت‌های کشاورزی که عموماً فعاليت‌هایی است که وابستگی زیادی به نیروی انسانی دارد، باعث ايجاد رخنه و مشکل در اين بخش شده است، زيرا جابه‌جایی نیرو و کارگر فصلی کشاورزی چه بين کشورها و چه در درون کشورها، دچار مشکل شده است. بنابراین روی فرايند توليد، بهره‌برداری و برداشت محصول کشاورزی همچنين جابه‌جایی محصول کشاورزی، درجه‌بندی، بسته‌بندی و نهايتاً بازاریابی تاثير زيادی گذاشته و باعث سکت در فرايند توليد و برداشت محصولات کشاورزی و افزايش قيمت مواد غذایی می‌شود.

فرايند کدام دستساز محصولات کشاورزی در سطح جهانی و ايران بيشتر از اين بحران تاثير گرفته و خواهد گرفت؟

اين موضوع به‌شدت پيچيده است و حتی اقتصاددانان برجسته فانو و کارشناسان حرفه‌ای در حوزه کشاورزی از اظهار نظر در اين‌باره خودداری می‌کنند چون عوامل تاثيرگذار بر آن هم بسيار متعدد هستند و هم بسيار پيچيده است. اما می‌توان کلیاتی را در اين‌باره بيان کرد؛ اولاً از نظر فصل زراعی و دوره توليد محصولات هم‌اکنون نيمه شمالي که زمين در بهار و نيمه جنوبی در پاييز به‌سر می‌برد و محصولات زراعی و باگی هر کدام هنوز در مرحله برداشت نيستند، ولی می‌توان گفت فصل زراعی برای اکثر محصولات خوب بوده و پيش‌بینی توليد و برداشت محصول ندارد و هر کدام شرايط خود را دارند. اما اصلی‌ترين عوامل تاثيرگذار بر قيمت در میان‌مدت و تا پايان سال جاری مسئله کاهش تقاضا و مشکلات لجستیک و تأمين خواهد بود که تحت تاثير عوامل اقتصادی و مالی خواهد بود. غلات اعم از گندم، برنج و ذرت در کوتاه‌مدت و میان‌مدت با کاهش تقاضا روبه‌رو نخواهند شد چون قوت لایموت مردم را تأمين می‌کنند. در برخی کشورها که ذخيره کافي غلات ندارند و شبکه توزيع مناسب برای بازررسانی ندارند همچون بعضی از کشورهای آفريقايی با بحران قيمت و حتی آشوب محلی روبه‌رو شده‌اند که با مداخلات اوليه قابل حل خواهد بود. صنعت پرورش گل و گیاه در کوتاه‌مدت و میان مدت در جهان بيشترين ضربه را خورده است چون عملاً بازار تقاضا به سمت صفر رفته و گزينه انبارداری هم برای آن ممکن نبوده است. در کوتاه‌مدت و از نظر دسترسی و قيمت اولين محصولات اسب‌پذير شامل تره‌بار و سبزیجات و برخی میوه‌ها هستند که بيشترين ضايعات کشاورزی را نيز با خود به‌همراه دارد. يکی از محصولات که به شدت تحت تاثير قرار گرفته، محصولات شيلاتی و دريایی است. به اين دليل که توليد اين محصولات هم محتاج نیروی انسانی زياد است و هم اينکه به دليل فسادپذیری شديد، اين دسته از محصولات محتاج‌اند که سريع‌تر به بازار مصرف يا انبار و سردخانه رسانده شوند. به همين دليل فشار زیادی بر محصولات شيلاتی و تره‌بار و سبزیجات

اقتصاد

نماینده دائم ایران در فائو در گفت‌وگو با «شرق» تأثیر بحران کرونا بر امنیت غذایی کشور را بررسی کرد

محموله‌ها در انتظار انتقال پول



محسن

لیدرمرگن: جهان تحت تاثير بحران کرونا قرار گرفته است. اجلاس جهانی امنيت غذایی هم هفته قبل به‌دليل تبعات ناشی از انتشار ويروس کووید ۱۹، به‌صورت مجازی برگزار شد. در اين اجلاس نمايندگان کشورهای جهان گرد هم جمع شدند تا ببينند کرونا چه تاثيری بر امنيت غذایی کشورهای مختلف خواهد داشت. آن‌طورکه محمدحسين عمادی، نماينده دائم ايران در سازمان فانو (FAO)، عضو هيئت اجرایی برنامه جهانی غذا (WFP) و گزارشگر کمیته جهانی امنيت غذا (CFS) به‌شرق می‌گويد: کرونا بر دسترسی به غذای بخشی از مردم جهان تاثير می‌گذارد. به اعتقاد او کشورهای عضو اوپک مانند روسيه و ايران از اين بحران به‌دليل افت قيمت نفت و تاثير آن بر قدرت خريدشان بيشتر تاثير می‌گيرند. اين بحران با توجه به تاثيری که بر تأمين نیروی کار برای کشورها دارد، تأمين مواد غذایی را هم تا حدودی دچار مشکل خواهد کرد و در برخی کشورهای آفريقايی، بحران قيمت و حتی آشوب محلی ايجاد کرده است که با مداخلات اوليه حل‌شدنی خواهد بود. به گفته عمادی اگرچه درحال حاضر بازار گل و گیاه، سبزیجات و میوه دچار آسیب شده است؛ اما پيش‌بینی می‌شود با کاهش محدوديت‌های قرظينه‌ای و سپس افزايش تقاضا، با رشد لحظه‌ای قيمت اين محصولات مواجه شويم. او با اشاره به توان ايران در تأمين مايحتاج اصلی کشور يعني گندم، کاهش قيمت نفت، تحريم‌های ناعادلانه و یک‌سويه آمریکا، ضعف ارز ملی در مقابل ارز خارجی، محدوديت مبادلات بانکی برای خريد محصولات استراتژيک وارداتی و FATF را عوامل مؤثر بر امنيت غذایی کشور معرفي کرده و معتقد است اين عوامل منجر به ايجاد محدوديت دسترسی ايران به مايحتاج اساسی‌اش خواهد شد. به نحوی که در حال حاضر برخی کشتی‌های ذرت و سویا برای پهلوگرفتن در بنادر در انتظار انتقال پول هستند. نماينده ايران در فانو همچنين ريسک مالی بخش کشاورزی از بحران کرونا را اندک توصيف کرده و بر اين باور است که در بلندمدت اقبال جامعه جهانی به سرمايه‌گذاری در اين بخش افزايش خواهد يافت. همچنين با توجه به اينکه منشأ اين بيماری برای مواد غذایی بوده و اين مشکل از سيستم غذایی آغاز شده است، در آينده استانداردهای سلامتی مواد غذایی سخت‌گیرانه‌تری می‌شود و اين مسئله هزينه‌های توليد و بازررسانی محصولات کشاورزی را بيشتر خواهد کرد. به گفته او مديريت هوشمند کشور در اين شرايط مهم‌ترين عامل برای برون‌رفت از اين بحران خواهد بود. با توجه به شرايط اقتصادی ايران، می‌توان مدل‌های بومی مناسب را طراحی و اجرا کرد تا از خسارت‌های جبران‌ناپذير اقتصادی و غذایی در پساکرونا جلوگیری شود.
مشرح گفت‌وگو با محمدحسين عمادی، نماينده دائم ايران در فانو، در ادامه می‌آيد.

و میوه خواهد آمد اما به‌نظر می‌رسد محصولات داسی به‌خصوص طیور و گوشت قرمز در میان‌مدت و بلندمدت تحت تاثير قيمت و قدرت خريد مردم با تقاضای کمتری روبه‌رو شوند و تا حدی نيز محصولات لبنی اين شرايط را خواهند داشت. از یک طرف هم تقاضا کاهش پيدا کرده و هم فرايند دسترسی به بازار برای مصرف و دسترسی به سرخ‌خنده و انبار برای محصولات فاسدشدنی نيز کم شده است. با کاهش محدوديت‌های قرظينه‌ای قطعاً بازار با افزايش شديد تقاضا برای برخی محصولات (همچون گل و گیاه و سبزی و میوه‌جات) روبه‌رو می‌شود که شايد توان تأمين آن در کوتاه‌مدت را نخواهد داشت و پيش‌بینی می‌شود با افزايش قيمت لحظه‌ای روبه‌رو شود.

اختلالات احتمالی ايجادشده در بازار محصولات کشاورزی تا چه زمانی رفع خواهد شد؟ پاسخ مشخص و روشنی هنوز برای اين پرسش وجود ندارد. به اين دليل که اولاً هنوز موج اول زلزله کرونا که مسئله سلامت انسان‌ها و شيعو اين ويروس است، حل نشده و هنوز وضعيت آن روشن نيست و افق روشنی از زمان کاهش منحنی فشار اين بيماری وجود ندارد که بر اساس سونامي اقتصادی که بعد از آن ايجاد می‌شود و نهايت تاثير آن بر بازار جهانی غذا مشخص شود. اما چيزی که روشن است، اين است که ما می‌توانيم آن را در سه مقطع تقسيم‌بندي کنيم. در مقطع کوتاه‌مدت، همان‌طور که اشاره شده، به دليل کاهش تقاضا با کاهش قيمت محصولات کشاورزی در بازار جهانی روبه‌رو هستيم که به‌معنای کاهش قيمت در بازار داخلی و محلی نيست چون اين کاهش قيمت محصولات کشاورزی پيچيدگی خاصی داشته و تحت تاثير سيستم بازررسانی و قيمت ارز و هيچان لحظه‌ای به‌دليل محدوديت‌های صادرات و واردات کشاورزی خواهد بود. در میان‌مدت بايد تا حد زيادی منتظر تاثيرات و مداخلات دولتها همچنين محدوديت در واردات و صادرات در بين کشورها بود اما برآوردهای اوليه نشان می‌دهد که در میان‌مدت اگر سياست‌های مناسبی اتخاذ و در فرايند واردات و صادرات کنترل ايجاد شود -به‌خصوص در حمايت از جريان عادی تدارکات لجستیک، ترانسپورت و حمل‌ونقل مواد غذایی- با بحرانی جدی همچون قطعی يا عدم دسترسی مردم به مواد غذایی روبه‌رو نخواهيم شد. به شرط اينکه هم بين سازمان‌های بين‌المللی تجاری و هم سازمان‌های مختلفی که اطلاع‌رسانی را بين کشورها انجام می‌دهند، اطلاعات روان، سريع و شفاف ردوبدل شود و به دليل ترس و توهم کشورها فرايند صادرات و واردات خود را محدود نکنند. در سطح ملی هم اگر کشورها فرايند لجستیک، تدارکات، حمل‌ونقل و دسترسی مردم به مواد غذایی را کنترل کنند، ما مشکلات جدی در رابطه با دسترسی مردم به مواد غذایی نخواهيم داشت اما قيمت محصولات کشاورزی مطمئناً تغيير کرده و تاثير زیادی از شيعو کرونا خواهد گرفت.

مردم به غذای سالم در بلندمدت است. اين مشکل با طرهم کرونا قطعاً پيچيده‌تر و بحرانی‌تر شده و خواهد شد.
تحت تاثير عوامل اقتصاد کلان از یک سو است که نرخ رشد اقتصادی کشور و رکود اقتصادی آن کشور در زمان برخورد با بحران کرونا می‌تواند تاثير بسيار زیادی بر دسترسی مردم به‌خصوص کشورهای فقير و طبقه فقير در همه کشورها از جمله ايران داشته باشد. در کوتاه‌مدت، حکومت‌داری خوب و تنظيم به‌موقع ناهنجاری‌های مقطعی بازار عرضه و تقاضا، نقش بسيار زیادی در امنيت غذایی دارد و در میان‌مدت و بلندمدت توانمندی اقتصادی کشورها در ثبات چرخه توليد و توزيع، به‌خصوص حفظ ثبات در نرخ قيمت ارز خارجی در مقابل ارز داخلی و سيستم پول داخلی، از اين مسئله تاثيرگذار است. نکته مهم‌تر ديگر اين است که در کلان اقتصاد کشورها، ميزان تاب‌آوری اقتصاد آنها در قبال بحران‌های بين‌المللی است. بيشترين ضربه را در مواجهه با بحران کرونا کشورهایی خورده‌ند و خواهند خورد که وابستگی بيشتری به اقتصاد جهانی داشته‌ند. بخش‌های گردشگری، انرژی و حمل‌ونقل ضربه سهمگینی از اين بحران خورده‌اند و کشورهایی که نه‌تنها به اين سه بخش، بلکه با هر نوع اقتصاد تک‌محصولی اداره می‌شدند، بيشترين شوک را تحمل کرده‌اند. ميزان وابستگی هر کشور از جمله ايران به بازار جهانی، چه در واردات محصولات غذایی مورد نياز و ضروری و چه در رابطه با نسبت درآمد ارزی کشور به صورت

محصولات زراعی، به‌شدت بر ضريب امنيت غذایی و دسترسی مردم به مواد غذایی تاثير می‌گذارد. مقوله پایداری دسترسی به غذا نيز عامل بسيار مهمی است. اين مقوله از یک طرف طبعاً متکی به ميزان توليد و ثبات آن است. استقلال غذایی -به معنای خوداتکایی (و نه خودکفایی) کشاورزی به‌خصوص در محصولات و مواد ضروری و استراتژيک- نقش مهمی در اين ثبات دارد و طبعاً امنيت غذایی بيشتری در پی خواهد داشت. ثانياً کشورهایی که متکی به واردات هستند، برای تأمين برخی از محصولاتشان مثل ايران، متکی به ارز حاصل از فروش برخی از محصولات غذایی خود، محصولات نفتی و نفتی هستند؛ بنابراین قطعاً آن‌هم تاثيری جدی بر امنيت غذایی خواهد گذاشت. قدرت پول ملی کشور برای واردات مؤثر است و در نهايت بر دسترسی مردم به مواد غذایی ضروريشان تاثير خواهد داشت. به دليل مشکلات و مسايلی که در ايران داريم، مثل اکتا به درآمد نفتی که به‌شدت کاهش يافته است -نه‌تنها به دليل کاهش ۵۰درصدي قيمت آن، بلکه به دليل کاهش فاحش صادرات نفت و درآمد حاصل از نفت و محصولات غيرنفتی- همچنين به دليل تحريم‌های ناعادلانه و یک‌سويه آمریکا که باعث ضعف ارز خارجی ايران برای خريد محصولات استراتژيک وارداتی خواهد شد، قطعاً محدوديت‌های مالی، بانکی، FATF و ردوبدل‌کردن پول برای خريد هم روی امنيت غذایی کشور تاثيری جدی می‌گذارد و منجر به ايجاد محدوديت دسترسی ايران به مايحتاج اساسی‌اش خواهد شد.

با توجه به وابستگی بالای توليدات کشاورزی ايران به نهادهای وارداتی (نظير صنعت طیور) آیا تأمين نيازهای اين بخش با مشکل مواجه خواهد شد؟ سال آينده را برای بخش کشاورزی ايران چگونه ارزیابی می‌کنيد؟

وابستگی ايران به محصولات غذایی بر اساس برآوردهای وزارت جهاد کشاورزی اين است که ۹۰٫۳ ميليارد دلار واردات سالانه مرتبط با مواد غذایی کشاورزی داريم که ۱۰٫۳ ميليارد آن مربوط به دارو و واکسن دام و طیور و هشت ميليارد دلار آن نيز مربوط به دانه‌های روغنی و ذرت برای تأمين خوراک دام و طیور است؛ بنابراین وضعيت ايران در رابطه با مواد ضروری غذایی و موادی که کالری و انرژی را تأمين می‌کنند، به‌خصوص گندم، در کوتاه‌مدت بحرانی نبوده و مطلوب است. بر اساس پيش‌بینی وزارت جهاد کشاورزی، امسال ۱۴ ميليون تن گندم در کشور توليد خواهد شد و از نظر برنج هم بر اساس برآوردهای وزارت جهاد کشاورزی، به دليل بارندگی مناسب، توليد داخلی برنج افزايش می‌يابد. از نظر توليد داخلی به دليل بارندگی خوب با بحران جدی روبه‌رو نيستيم؛ حتی برای تأمين کسری گندم و برنج -اگر کسری وجود داشته باشد- آمارهای اوليه نشان می‌دهد که قيمت غلات در بازار جهانی رو به کاهش است. کاهش قيمت‌های جهانی همان‌طور که گفته شد، به دو دليل است؛ اول اينکه توليد جهانی کاهش نيافته و برخی برآوردها نشان‌دهنده افزايش توليد گندم و برنج در جهان است و دوم آنکه کاهش نسبی تقاضا و توجه به هم رخ داده است. قيمت غلات در سطح جهانی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت نشان می‌دهد (بر مبنای قيمت دلار) نرخ اين محصولات در بازار جهانی رو به کاهش است. طبعاً قيمت دلار و نرخ تبديل دلار به ريال روی قدرت خريد ملی ما از بازار جهانی تاثير دارد. اين جزء مواردی است که به سياست‌های ارزی، اقتصاد، مالی و توان تأمين ارز خارجی بستگی دارد. در حوزه تأمين کسری بسيار محدود غلات، ايران با مشکلی جدی روبه‌رو نيست؛ ولی نرخ ارز از یک سو و خريد و فراوری محصولات غلات، دسترسی مردم و عدم ايجاد شوک و اضطراب از سوی ديگر می‌تواند برای تثبيت اين بازار و خاطرجمعی مصرف‌کنندگان و همجين ثبات قيمت در داخل نقش جدی داشته باشد. درباره روغن با منشا گیاهی که از دانه‌های روغنی استحصال می‌شود و عمدتاً سویا و ذرت که هم برای روغن‌گیری و هم کتانه آن جهت خوراک دام استفاده می‌شود هم شاهد جمعی مصرف‌کنندگان و همجين ثبات قيمت دليل توليد زياد ذرت و آمریکا و جنگ تجاری بين چين و آمریکا، بسياری از کشاورزان آمریکا از کشت سویا به سمت ذرت رفتند. برآوردها نشان می‌دهد توليد ذرت افزايش يافته است و بازار جهانی مشکلی در اين رابطه ندارد. اگر افت و خشک‌سالی پيش نايذ، ذرت نرخ هم به‌طور فزاینده‌ای رو به کاهش است. به دليل کاهش قيمت شديد انرژی، به‌هیچ‌وجه پيش‌بینی استفاده از ذرت در توليد اتانول هم وجود ندارد. همچنين درباره نرخ سویا هم برآوردها -به دليل متعدد- نشان می‌دهد که شاهد کاهش قيمت در بازار جهانی اين محصولات خواهيم بود. مشکل اصلی ايران، تأمين هشت ميليارد دلار برای تأمين اين محصولات و انتقال دلار به کشورهای صادرکننده است. همان‌طور که

اطلاع داريم، مشکل اصلی انتقال پول است و برخی از کشتی‌هایی که ذرت و سویا در بنادر پهلو گرفته‌اند برای تخليه در انتظار انتقال پول هستند و اين نشان‌دهنده نقش فزاینده و مخرب تحريم‌ها بر دسترسی مردم به مواد غذایی است. اين نقش جدی بر تسهيل دسترسی، ثبات قيمت و عدم ايجاد ذرت در بخش کشاورزی تاثير دارد و طبعاً پيش‌بینی‌ها و مديريت مناسب واردات اين بخش از محصولات، با توجه به کاهش جهانی قيمت آنها، مشکلی جدی نيست. اگر مسئله تحريم‌های مالی و انتقال پول به نحو مطلوب و مناسب حل شود که آن هم نيازمند تحول سياسی و فشار به جامعه جهانی برای کاهش فشار تحريم‌های

مالی و تحريم‌های انتقال و صادرات مواد غذایی است، مشکلی نخواهيم داشت.
فرايند کدام دستساز محصولات کشاورزی و عرضه و تقاضای بازارهای جهانی، به‌خصوص FAO و سازمان‌های مرتبط با اين بحران تاثيرات مثبتی هم برای بخش کشاورزی به‌همراه داشته باشد؟

البته بحران کرونا یک مصيبت انسانی و یک فاجعه اقتصادی برای نوع بشر بوده و قطعاً همه انسان‌ها و همه بخش‌های اقتصاد از آن ضربه خواهند خورد. اما بايد پذيريم اگر در مواجهه با هر بحرانی با عنصر عقل و خرد برخورد کنيم، قطعاً وجوه مثبت آن در يادگیری از آن شرايط خواهد بود. اين يادگیری دو وجه متفاوت دارد؛ يکی يادگیری از اثرات اوليه و مقايسه آن و دوم مهم‌تر درس‌های بلندمدتی که نوع بشر می‌تواند از اين رويدادهای جهانی بگيرد. از بُعد اول، چون اين بحران هم چندوجهی و پيچيده است، هنوز زود است که درباره تاثيرات مقايسه‌ای آن بر زيربخش‌های اقتصادی بخش کشاورزی و توليدي و توقف بسياری از ابعاد مثبت مقايسه‌ای را در مورد غذا و کشاورزی را تصور شد. اولاً در مقايسه با بخش‌های انرژی و گردشگری بخش کشاورزی و غذا متحمل زيان بسيار محدودتری در کوتاه‌مدت و میان‌مدت شده است که اين خود در فرايند توجه جهانيان و حتی سرمايه‌گذاران به اين بخش در آينده مثبت خواهد بود. اگر صنعت انرژی، گردشگری، حمل‌ونقل (هوای و ریلی) و خدمات تفریحی را در متضررترين بخش‌های اقتصادی اين بحران در کوتاه‌مدت و میان‌مدت ببينيم و بخش تجارت الکترونیک و نرم‌افزارهای ارتباطات و تجهيزات پزشکی را سودآورترين بخش‌ها بدينام، احتمالاً بخش غذا و کشاورزی در اين ميان قرار می‌گيرد که به نسبت زيان منبث خواهد کرد. همين امر ريسک مالی اين بخش اقتصادی را در مواجهه با بحران بانديکم نسبت به ديگر بخش‌ها کاهش خواهد داد و در بلندمدت به نظر می‌رسد اقبال بيشتری به اين بخش برای سرمايه‌گذاری و اعتبارات شود. اما يادگیری نوع بشر از اين رويداد از بُعد غذا و کشاورزی بسيار مهم‌تر و حیاتی‌تر است. اولاً نبايد فراموش کنيم که منشأ اين بيماری بازار مواد غذایی بوده و کرونا از سيستم غذایی آغاز شده است. بنابراین به‌طورقطع در میان‌مدت و بلندمدت اين بخش بايد تدابير بسيار سخت و هوشمندانه‌ای را درباره اعمال قوانين و سياست‌های سخت‌گیرانه‌تری در مورد بهداشت و سلامت مواد غذایی در پيش گيرد. اين امر در رعايت استانداردهای جديد طبعاً هزينه‌های توليد و بازررسانی محصولات غذایی را بيشتر خواهد کرد. هم‌اکنون در سازمان خواروبار جهانی فانو، اصلی‌ترين تلاش بعد از توجه به محدودسازی تاثيرات کرونا بر امنيت غذایی، توجه به اعمال سياست‌های بهداشتی و حفاظتی است که از طريق اعمال آن از تکرار اين فاجعه در آينده جلوگیری شود. رعايت اصول زسته‌محیطی و توجه جدی به تنوع زیستی در فرايند توليد کشاورزی و غذا درس ديگری است که از بحران می‌توان گرفت. فراموش نکنيم کشاورزی مرسوم و متداول که هدفش صرفاً افزايش توليد است، اصلی‌ترين عامل کاهش تنوع زیستی است و کاهش تنوع زیستی عملاً باعث ظهور و انفجار میکروارگانیسم‌ها و ويروس‌ها در آينده خواهد شد. رعايت اصول زیسته‌محیطی و توجه به تنوع زیستی شايد هزينه زیادی داشته باشد، اما قطعاً قابل مقايسه با هزينه‌های انسانی و مالی سرسام‌آور نابع حساسيت مصرف‌کنندگان است. بر نظام توليد و رفتار و عکس‌العمل توليدکنندگان و کشاورزان که تقاضا بر کيفيت زيادگی، بهداشت و قيمت محصولات کشاورزی تاثير خواهد داشت و کشاورزان در انتخاب محصولی که توليد می‌کنند و روش‌های توليدي‌شان تغيير جدی خواهند داد و اين خود نکته درس‌آموز مثبتی برای آينده کشاورزی و توليد غذای سالم خواهد بود.

فرايند کدام دستساز محصولات کشاورزی و عرضه و تقاضای بازارهای جهانی، به‌خصوص FAO و سازمان‌های مرتبط با اين بحران تاثيرات مثبتی هم برای بخش امنيت غذایی چه توصيه‌ای به سياست‌گذاران ايرانی داريد؟

همان‌طور که در پاسخ به سؤالات قبلی گفته شد، اين بحران به‌شدت پيچيده و پيش‌بینی اثرات آن فوق‌العاده دشوار است. بنابراین ضرورت دارد به دور از غوغاهای اخبار هيجانی، مسئولان در سطح ملی با تشكيل اتاق‌های فکر مجازی از متخصصان موضوعی و ستاد منسجم تصميم‌گیری با استفاده از آخرين مطالعات، آمار و تحليل‌ها نسبت به پديده رو به ظهور و پيش‌بینی عواقب، خصوصاً با توجه به اوضاع‌واحوال منطقه‌ای ايران متمرکز شده و با دقت و سرعت به تصمیم‌سازی و هماهنگ‌کننده اقدام کنند. مديريت هوشمند کشور در اين شرايط مهم‌ترين عامل برون‌رفت از اين بحران است. مطالعه عملکرد مديريت کشور‌های موفق در اين بحران و شبهه‌های مديرتی کشور‌هایی نظير آلمان، ژاپن، کره جنوبی، چين و سنگاپور در مقايسه با کشورهای مدعی و قدرتمند مانند ايتاليا، انگلستان و آمریکا نه‌تنها در حوزه سلامت، بلکه در حوزه اقتصادی يابستی مورد توجه قرار گيرد. با توجه به برخی فرصت‌ها و شرايط اقتصادی، سياسی و فرهنگی کشور می‌توان مدل‌های بومی مناسب را طراحی و اجرا کرد تا از خسارت‌های جبران‌ناپذير اقتصادی و غذایی در ادامه دوران پساکرونا جلوگیری شود. تعامل فعال با سازمان‌های جهانی، به‌خصوص FAO و استفاده از تجارب ساير کشورها و انتقال تجربيات در اين راستا نيز بسيار اساسی و تعين‌کننده است، فراموش نکنيم که در کنار خطرات، فرصت‌هایی در درون اين بحران وجود دارد، بنابراین پيش‌بینی اتفاقات جهانی به لحاظ سياسی و اقتصادی در طی ماه‌های آينده بسيار حیاتی و سرنوشت‌ساز است.